



امیراطهر سهیلی

قهرمان هانمی میرند!

«اسطوره همانند دری پنهان است که از طریق آن انرژی لایزال کیهانی در فرهنگ بشری تجلی می‌یابد» (جوزف کمبل).

شما یادتان نمی‌آید؛ این دیگر مختص ماده شخصی هاست، اینکه معلم بگوید تکلیف امشب دوبار نوشتن از روی «دهقان فداکار» ووقتی لبخند بزنی گچی بخوردپس کله‌ات و جرمه توبشود سه بار اضافه از روی «دهقان فداکار». مثلاً که چه؟ بهتر یا بیشتر اسطوره یا قهرمان را بشناسیم؟

ما بعضی وقت‌ها نمی‌دانیم چگونه با قضایا برخورد کنیم؛ دچار سوء تفاهم می‌شویم. هیچ‌وقت نسل ما معنی فداکاری را نفهمید، معنی ریزی علی را، چرا که قهرمانان را به‌عنوان جرمیه‌به‌خوردما می‌دادند. ما حتی برخورد درست با قهرمان را نمی‌دانستیم.

اسطوره و قهرمان باید در جان، باید در روح ته‌نشین شود؛ باید ملکه ذهن شود؛ نباید دیکته‌وار نوشته شود. نیازی به حفظش نیست. اصلا اسطوره نباید بر زبان جاری شود؛ باید در قلب بماند. اسطوره سلاح است، ریسمان نیست، راه فرار نیست. تعبیر ما از اسطوره کاملا اشتباه است.

من اسطوره را عنصری می‌بینم در یک گوی بلوری، در یک ویتزین. ما دو نوع مواجهه با اسطوره داریم. بر خورد اول از آن متعصبان است، گروهی که اسطوره را آن قدر مقدس می‌دانند که حتی نزدیک شدن بدان را هم نمی‌توان تصور کرد. هر لحظه گوی را می‌نگرند، خاشک را می‌رویند، تقدیش می‌کنند و می‌پرستندش. بر خورد دوم را که برخورد بدتری است گروهی مدرن گرا انجام می‌دهند. افراتیون در فرهنگ امروزی، آن‌هایی که نمی‌توانند طوفان نوح را باور کنند، به دنبال دلیل علمی بلعیده شدن یونس می‌گردند و از بیخ‌وبین بنیانش را برهم می‌ریزند. آن‌ها گوی را بر زمین می‌کوبند و می‌شکنندش. هر دو برخورد اشتباه است. ما باید اسطوره را باور کنیم، باید بشناسیمش و از میانش عبور کنیم. این وظیفه‌ماست.

اسطوره‌های عاشورا حتی دیگر اسطوره‌های دینی مادر ایران تعزیه می‌شدند و در کوچه و بازار به‌شکل نمایشی اجرا می‌شدند. تعزیه شیوه اجرای خاصی دارد که مشابه است با کابوکی ژاپنی و کاتا کالی هندی که بعدها تئاتر رومایی و تکنیک فاصله‌گذار ی برشت در اروپا در تکمیل همین شیوه‌های اجرایی ظهور کرد. جالب است که کابوکی و کاتا کالی هم بن‌مایه‌هایی اساطیری داشته‌اند.

ویژگی‌های اصلی تئاتر رومایی، تعزیه، کابوکی و کاتا کالی مشترک اند؛ نبود ارتباط حسی بین مخاطب و اثر و جان‌نشین کردن رابطه فکری و عقلانی. در یک کلام این‌گونه تئاتر بیشتر از درگیر کردن مخاطب با نقاط حسی داستان دوست دارد او به تئاتر بیندیشد. چیزی که ما اکنون در روایت اسطوره‌های عاشورا آن را کم داریم همین است. حتی در تعزیه‌های جدید هم مخاطب بیشتر دنبال گریستن است تا فکرت کردن. هنگامی که اسطوره در ذهن مخاطب نقش ببندد مخاطب آن را به آنچه در زندگی اش اتفاق می‌افتد ربط می‌دهد؛ بدین ترتیب فرهنگی که پهنه وسیع‌تری از اساطیر داشته به شهروندش گزینه‌های فراوانی برای شیوه رویارویی در اتفاقات مهم زندگی‌اش را می‌دهد. فرهنگی که می‌تواند ریزی علی‌خواجوی را اسطوره کند می‌تواند به کودکش بیاموزد که «در بسیاری از شرایط، جانت اهمیت کمتری دارد».

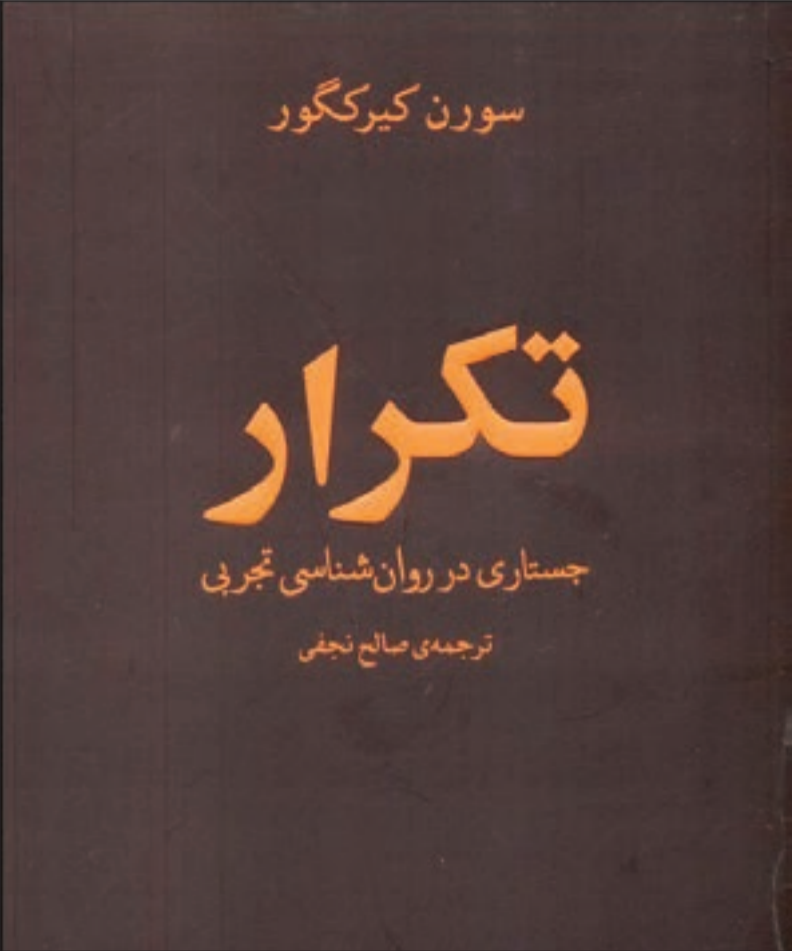
این داستان‌ها، این قهرمان‌ها، این اساطیر از روزگاران کهن به بشر یاری رسانده‌اند، تمدن‌ها را ایجاد کرده‌اند، بسیاری از مسائل درونی و بیرونی بشر را جواب داده‌اند و بارها براساس نیازهایی جدید اسطوره‌هایی جدید زاییده‌اند. بشر امروز بدون آن‌ها در مسیری بی هیچ علامت و نشانه است. اگر نسل ما دهقان فداکارا می‌فهمید، اگر درک می‌کرد، اکنون با جامعه‌ای فداکار طرف بودیم و با بحران خودخواهی هم‌روبه‌رو نمی‌شدیم. تمدن جلو می‌رود و همگام با نیازهای آن اسطوره‌هایی جدید متولد می‌شوند. وظیفه تمدن نگهداری اسطوره‌هایی است که فرزندان اسطوره‌های پیش از خود هستند، از اسطوره‌های پیش از خود تغذیه شده‌اند و رشد کرده‌اند و اکنون به اسطوره‌هایی مستقل تبدیل شده‌اند. ریزی علی چنین اسطوره‌ای است. فداکاری او به‌حتم زاییده برخورد او با اسطوره‌هایی است که بر ذهنش نقش بسته‌و او را احاطه کرده‌بودند.

حفاظت از اسطوره تقدیس او نیست، نمایش راه اوست به نسل بعد. این وظیفه انسانی، اجتماعی و حتی دینی ماست که قرآن می‌فرماید: «فکر می‌کنید وارد باغ سعادت می‌شوید، بدون اینکه آزمون‌هایی را از سر بگذرانید که کسانی پیش از شما گذرانده‌اند.»

فرهنگ

فرهادپور در نشست نقد و بررسی کتاب «تکرار» مطرح کرد

ترجمه‌های نامطلوب فلسفی از دل نئوژورنالیسم برآمده‌است



مراد فرهادپور در نشست نقد و بررسی کتاب «تکرار» گفت: از دل نئوژورنالیسم فلسفی است که همین کتاب‌های کم‌حجم با ترجمه‌های نامطلوب فلسفی بیرون آمده است و این آفت بدی است که این روزها دچار کتاب‌های نظری در حوزه فلسفه شده و هرکسی از گرد راه رسیده کتابی را ترجمه کرده است.

■ **ترجمه‌های نامطلوب فلسفی**

از دل نئوژورنالیسم فلسفی برآمده‌است

به‌گزارش ایبنا، نشست نقد و بررسی کتاب «تکرار»، اثر سورن کیرکگور، فیلسوف دانمارکی، با حضور مراد فرهادپور، علی اصغر محمدخانی و صالح نجفی، مترجم اثر، در شهر کتاب تهران برگزار شد.

مراد فرهادپور در این نشست ضمن ابراز خوشحالی از اینکه با ترجمه این کتاب کیرکگور به‌عنوان چهره‌ای مرکزی و مهم به فارسی قابل خواندن در اختیار مخاطبان ایرانی قرار می‌گیرد گفت: بلایی که متأسفانه سر هگل با ترجمه‌های نامطلوب آمده است امیدوارم که سر کیرکگور نیاید. من همواره در حیات فکری خود بر ترجمه تأکید بسیاری کرده‌ام و بر پیوند تفکر و ترجمه اصرار دارم.

وی ادامه داد: کتاب «تکرار» مجموعه‌ای از نامه‌های عاشقانه، رساله، متن‌های ادبی و… کیرکگور است و درسته مانند جایگاه او در فلسفه وضعیت مشخصی ندارد، اما درعین‌حال پیوندهایی را در مخاطب ایجاد می‌کند که فرد را دچار درگیری فلسفی می‌کند. صالح نجفی در این کتاب زبان خاصی را برای متن ساخته که درعین‌روانی و آشنایی قرابت و پیچیدگی متن ادبی کیرکگور را دارد و فقط ترجمه محض نیست و مخاطب می‌تواند شکلی از گذر را در آن احساس کند.

این مترجم فلسفه افزود: این در حالی است که متأسفانه بسیاری از کتاب‌های حجیم فلسفی این روزها ظرف ۶ ماه به‌صورت بلدوزری ترجمه می‌شوند، بدون اینکه هیچ توجهی به متن شود. در این میان نویسندگانی مانند آگامبن هم برای مترجمان وسوسه‌انگیز هستند. مصیبت آنجا بیشتر می‌شود که ترجمه نخست یک مترجم یک کتاب فلسفی سخت قرار می‌گیرد؛ به‌طورمثال ترجمه نخستی که از کتاب «تکرار» صورت گرفته تجربه اول مترجم آن بوده است و سؤال من این است که چرا یک مترجم برای ترجمه یک اثر فلسفی نباید یک مسیر را مانند صالح نجفی طی کند تا در نهایت بتواند یک کتاب فلسفی را ترجمه کند. فرهادپور گفت: امروز نجفی می‌تواند پروژه کیرکگور را ادامه دهد و به‌همین دلیل است که قصد ترجمه کتاب «این‌یا آن» کیرکگور را هم دارد و این نتیجه تلاش مترجمی است که مسیر درستی را طی کرده، اما اکنون همه‌ما می‌خواهیم خودمان کاشف باشیم و به‌طورمثال

در حوزه ترجمه می‌گوییم که این نخستین کتابی است که از فلان نویسنده ترجمه کرده‌ایم!

وی با بیان اینکه از دل نئوژورنالیسم فلسفی است که همین کتاب‌های کم‌حجم با ترجمه‌های نامطلوب فلسفی بیرون آمده است یادآور شد: این آفت بدی است که این روزها کتاب‌های نظری در حوزه فلسفه دچار آن شده‌اند و هرکسی از گرد راه رسیده کتابی را ترجمه کرده است. ترجمه «منطق هگل و پدیدارشناسی هگل» نمونه‌هایی از چنین آثاری است.

اثر فلسفی نباید یک مسیر را مانند صالح نجفی طی کند تا در نهایت بتواند یک کتاب فلسفی را ترجمه کند. فرهادپور گفت: امروز نجفی می‌تواند پروژه کیرکگور را ادامه دهد و به‌همین دلیل است که قصد ترجمه کتاب «این‌یا آن» کیرکگور را هم دارد و این نتیجه تلاش مترجمی است که مسیر درستی را طی کرده، اما اکنون همه‌ما می‌خواهیم خودمان کاشف باشیم و به‌طورمثال

افکار و اندیشه‌های کیرکگور سخن گفت و افزود: من نقد آدورنو به کیرکگور را درست می‌دانم. ازسوی‌دیگر این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان امر سوژکتیورا با امر فردی یکسان دانست یا امر تکین غیر از امر فردی است؟

وی با بیان اینکه ساختاری که بیش از هر چیز به درک کیرکگور کمک می‌کند ساختار زیبایی‌شناختی اخلاقی و تجربه دینی است گفت: در فصل آخر این کتاب هم نویسنده به سه‌رهم‌مؤلفه اشاره کرده است.

فرهادپور در پایان سخنانش توضیحات مسسوطی درباره واژه «تکرار» در سنت فلسفی ارائه کرد.

■ **۲ مؤلفه برجسته‌تر آثار کیرکگور**

محمدخانی در این نشست با بیان اینکه آثار کیرکگور در کشورهای مختلف جهان خوانده شده و تنها چندین اثر آن به‌زبان فارسی ترجمه شده است گفت: «این‌یا آن،

«ترس و لرز»، «تکرار» و… عناوین برخی از آثار اوست که در ایران به چاپ رسیده است. البته تعدادی از آثار کیرکگور با نام مستعار منتشر شده است.

وی ادامه داد: کتاب «تکرار» که توسط صالح نجفی ترجمه شده مقدمه و مؤخره خوبی دارد و یکی از آثاری است که در آن کیرکگور یکی از آراء اساسی خود را در آن شرح داده است. در کتاب «تکرار» دو مؤلفه برجسته است. نخست تعهد و وفاداری نسبت به خود و دیگری عشق و ایمان به خدادر ادیان است.

محمدخانی گفت: چندین مسئله محوری در آثار کیرکگور وجود دارد که قابل تأمل است: سبک نوشتاری کیرکگور و ارتباطش با درونمایه آثار و محوری بودن آثار که عشق و ایمان دو مؤلفه اصلی آن است. دیگر اینکه آیا متن‌های او بازی‌های بلاغی هستند و یا اینکه از نظر عقلی هم ارزش دارند. همچنین ساختار روایت در آثار او و شیفتگی‌اش به تئاتر در کتاب‌هایش دیده می‌شود. سیوررت نیز یکی دیگر از مؤلفه‌هایی است که در آثار کیرکگور قابل بررسی است و در آن می‌توان وجوه اشتراک و افتراق او با هگل را مشاهده کرد.

■ **کیرکگور پدر اگزیستانسیالیسم در ایران است**

نجفی نیز در بخش دیگری از این نشست توضیحاتی را درباره روند ترجمه این اثر ارائه کرد و گفت: ترجمه کتاب «تکرار» به تجربه ترجمه من از کتاب دیگری به نام «قانون خشونت» برمی‌گردد که در واقع کاری جمعی بود که با مراد فرهادپور انجام دادیم. در آن کتاب نقل قولی از اشمیت به‌نقل از کیرکگور وجود داشت که به «تکرار» اشاره کرده بود. بعدها من این پروژه فکری را ادامه دادم تا ماحصل آن ترجمه کتابی شد که امروز منتشر شده است.

وی ادامه داد: کیرکگور پدر اگزیستانسیالیسم در ایران بوده و می‌توانیم به‌نوعی آن را نماد تفکر فردگرایی و حتی روشنفکری دینی در ایران بدانیم، چرا که با افکار او راهی برای حل کردن تناقضات فکری پیدا شده بود. نجفی افزود: وقتی کتاب «قانون و خشونت» منتشر شد و آگامبن توسط فرهاد مرادپور به جامعه معرفی شده بود هنوز کیرکگور برای ایرانیان ناشناخته بود و تنها کتاب «ترس و لرز» او به‌واسطه معرفی‌اش در فیلم «هامون» و کم‌حجم‌بودن متداول شده بود. باوجوداین هنوز افکار و اندیشه‌هایش مورد بررسی قرار نگرفته بود. نجفی در بخش دیگری از سخنانش توضیحات مفصلی را درباره برهه‌های مختلفی از زندگی کیرکگور ارائه کرد و گفت: او کتاب «ترس و لرز» و «تکرار» در یک روز منتشر کرد و مؤخره‌ای را که بر کتاب «تکرار» نوشته می‌توان به‌صورت مستقل مطالعه کرد.

اینستاگردی

گذشته‌داستانی

شش‌انگشتی پیش از آنکه به‌فرموده خان مظفر روانه مشهد شود و رضا خوش‌نویس را شکنجه کند و همه آنچه را باید درباره گذشته انجمن مجازات و ترورهای سیاسی سال‌های نسبتاً دور از زبان تفنگچی سابق بشنود. صدای مفتح‌روی این صحنه‌ها می‌آید: گوش‌دادن به خاطرات گذشته شما برای من که نه‌مادر بزرگ قضا‌گویی داشتم نه پدر بزرگی لاف‌زن، برای من که اصولاً بچگی نداشتم‌ام و زندگی‌ام خالی بود از خیال و خاطره شد خاطرات. وقت بیان و شرح و احوال خوش‌نویس پیر را به آرایشگاه مردانه‌ای در خیابان لاله‌زار می‌برد و حرف‌های پرانگده‌ای که می‌زند مفتحش را به صرافتِ اعترافی می‌اندازد که گفتنش به رضا خوش‌نویس می‌تواند مایه سبکی حالش باشد. آنچه پیش‌روی ماست صحنه‌هایی است از زندگی مفتحش

محسن آزرم به‌مناسبت سالگرد درگذشت علی حاتمی مطلبی را در صفحه اینستاگرامش به‌اشتراک گذاشته که آن را می‌خوانید: «علی حاتمی دل بسته گذشته‌ای بود که دقیقاً همان گذشته تاریخی نیست، گذشته‌ای که در حاشیه تاریخ مانده و بیشتر به داستان‌ها و شفافیات مردم راه پیدا کرده، نه به تاریخ‌های مکتوب؛

گذشته‌ای داستانی و اتفاقاً پیش‌برده‌ای نوشته خود حاتمی که در ابتدای فیلم اولش، «حسن‌کچل»، آمده و آشکارا ستایش همین گذشته داستانی است، بیانیه فیلم‌سازی که می‌خواهد بگوید از این‌به‌بعد با چنین دنیایی طرف می‌شوید. قطعه ضربی‌ای که مرتضی احمدی درست مثل پیش‌برده‌های سال‌های نه‌چندان دور تئاترهای لاله‌زار اجراش کرده، به دوره تاریخی به‌خصوصی تعلق ندارد و گذشته‌ای

محسن آزرم به‌مناسبت سالگرد درگذشت علی حاتمی مطلبی را در صفحه اینستاگرامش به‌اشتراک گذاشته که آن را می‌خوانید: «علی حاتمی دل بسته گذشته‌ای بود که دقیقاً همان گذشته تاریخی نیست، گذشته‌ای که در حاشیه تاریخ مانده و بیشتر به داستان‌ها و شفافیات مردم راه پیدا کرده، نه به تاریخ‌های مکتوب؛ گذشته‌ای داستانی و اتفاقاً پیش‌برده‌ای نوشته خود حاتمی که در ابتدای فیلم اولش، «حسن‌کچل»، آمده و آشکارا ستایش همین گذشته داستانی است، بیانیه فیلم‌سازی که می‌خواهد بگوید از این‌به‌بعد با چنین دنیایی طرف می‌شوید. قطعه ضربی‌ای که مرتضی احمدی درست مثل پیش‌برده‌های سال‌های نه‌چندان دور تئاترهای لاله‌زار اجراش کرده، به دوره تاریخی به‌خصوصی تعلق ندارد و گذشته‌ای



برخی از طرح‌های آیدین نقدشمار

قاب



عکس: @morizankhanhad

۷

• **ویتزین**

«عباس کیارستمی و فیلم-فلسفه»



متیو ابوت در کتاب «عباس کیارستمی و فیلم-فلسفه» آثار سینماگر جهانی سینمای ایران را در پژوهشی فلسفی بررسی می‌کند. به‌گزارش ایبنا، متیو ابوت، استاد فلسفه دانشگاه فدراتیو استرالیا، کتابی درباره عباس کیارستمی جهانی را از منظر فلسفه بررسی می‌کند. این کتاب را صالح نجفی ترجمه و نشر «لگا» منتشر کرده است.

«عباس کیارستمی و فیلم- فلسفه»، جدا از مقدمه، در هفت فصل، به بررسی فلسفی آثار عباس کیارستمی می‌پردازد. این کتاب را نشر لگا در ۲۸۸ صفحه به قیمت ۲۵ هزار تومان منتشر کرده است.

انتشار اثری از گادامر



کتاب «هرمنوتیک: دین و اخلاق»، نوشته هانس گئورگ گادامر، با ترجمه شهاب‌الدین امیرخانی در ۲۲۴ صفحه با شمارگان هزار و ۱۰۰ نسخه و به بهای ۲۴ هزار تومان در نشر «کتاب‌پارسه» عرضه شده است.

به‌گزارش ایبنا، در پشت جلد این کتاب نوشته شده است: هانس گئورگ گادامر، فیلسوف آلمانی و از معروف‌ترین شاگردان مارتین هایدگر، بیش از هر چیز به علت کتابش، «حقیقت و روش»، شناخته می‌شود اما او پیش و پس از انتشار این کتاب مشهور، بارها و بارها به پرسش درباره دین و اخلاق پرداخت. نوشتارهای این کتاب برای اولین بار پژوهش ژرف گادامر را در معنای هرمنوتیکی این موضوعات نشان می‌دهد.

ترجمه‌ای جدید از پیمان خاکسار



رمان «پروژه خونین او: مدارک مرتبط با پرونده رودریک مکری» نوشته گرم مکری برنت، با ترجمه پیمان خاکسار منتشر می‌شود. پیمان خاکسار، مترجم، در گفت‌وگو با ایلنا درباره آخرین آثار و ترجمه‌هایش گفت: رمان «پروژه خونین او» با عنوان فرعی «مدارک مرتبط با پرونده رودریک مکری»، نوشته گرم مکری برنت، که سال گذشته ترجمه‌اش تمام شده است، قرار است از سوی نشر «چشمه» منتشر شود. این رمان سیصدصفحه‌ای قطعات نا‌پایان سال منتشر می‌شود.

چاپ مجدد نمایشنامه

«من زاپاتا بودم»

چاپ دوم نمایشنامه «من زاپاتا بودم»، اثر مرتضی نجاتی، بعد از گذشت ۱۱ سال، از سوی انتشارات «پایتخت» راهی بازار نشر شده است. چاپ نخست این کتاب را انتشارات «پازی‌تیکر» در سال ۸۵ منتشر کرده بود. «بیمارستان روانی»، «من زاپاتا بودم»، «زنی که آینه انعکاسش داد» و «گور گمشده» نام چهار نمایشنامه این کتاب است. نمایشنامه «من زاپاتا بودم»، اثر مرتضی نجاتی، در ۹۶ صفحه، شمارگان هزار نسخه و به بهای هشت هزار و ۵۰۰ تومان منتشر شده است.